

كانون الهيات مژده

«نقش رابطه ايمان و عمل در آموزه عادل شمردگى از منظر پولس و يعقوب» (سوال 4، صفحه 102)

كتاب غلاطيان

استاد: منصور خواجهپور

دانشجو: منيژه اديبانفر

تاريخ تحويل: 18/12/2023

مقدمه

در اینجا یک سوال بسیار مهم مطرح می‌شود آیا نجات فقط بوسیله ایمان است یا اینکه اعمال را نیز شامل می‌شود؟ این سوال بوسیله کسانی مطرح می‌شود که برایشان سخت است که میان قسمت‌های مختلف کتاب مقدس ارتباط و هماهنگی ایجاد کنند. (رومان ۳: ۲۸؛ ۵: ۱) و (غلاطیان ۳: ۲۴) را با (یعقوب ۲: ۲۴) مقایسه کنید. عده‌ای بعد از چنین مقایسه‌ای تفاوت را میان دیدگاه پولس (نجات بوسیله ایمان تنها) و یعقوب (نجات بوسیله ایمان و عمل) می‌دانند. واقعیت این است که پولس و یعقوب هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند. تنها اختلافی که شاید به عقیده برخی می‌تواند وجود داشته باشد؛ پیرامون رابطه ایمان و عمل است. پولس اعلام می‌دارد که انسان فقط با ایمان عادل شمرده می‌شود (افسیان ۲: ۸-۹) در حالی که یعقوب واضحاً تعلیم می‌دهد که نجات بوسیله ایمان و عمل است. این مسئله مبرهن می‌تواند با بررسی دقیق سخنان یعقوب پاسخ داده شود. یعقوب در واقع هر گونه اعتقادی را که مبنی بر ایمان بدون عمل باشد نفی می‌کند (یعقوب ۲: ۲۰-۲۶). یعقوب نمی‌گوید که عادل شمرده‌شدگی بوسیله ایمان و اعمال است بلکه می‌گوید که اگر کسی واقعاً عادل شمرده شده است، بطور قطع تغییرات و اعمال نیکویی را در حیات خود خواهد داشت. اگر شخصی ادعای ایمان کند اما هیچ عمل نیکویی در زندگی او یافت نشود، آنگاه یقیناً او هیچ ایمان واقعی در مسیح عیسی نداشته است (یعقوب ۲: ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۶).

تصور غلط از رابطه ایمان و عمل

تصور غلط از رابطه ایمان و اعمال خوب از عدم درک درست و کتاب مقدسی «نجات»، سرچشمه می‌گیرد. دو ایراد اساسی در رابطه بین ایمان و کارهای خوب وجود دارد. اولین ایراد این است که یک شخص با گفتن جمله «من به مسیح ایمان آوردم» نجات را دریافت می‌کند و کار دیگری لازم نیست. پس در این صورت شخصی که در کودکی در کلیسا دعا کرده و این جمله را به زبان آورده نجات پیدا کرده است، هرچند که هرگز زندگی خداپسندانه نداشته و همواره در گناه به سر برده است. اما در یعقوب فصل دوم می‌بینیم که ایمانی پوچ که نتیجه آن زندگی خداپسندانه نیست مرده است و نمی‌تواند کسی را نجات دهد. دومین ایراد عقیده «نجات توسط انجام کارهای خوب» است که تلاش می‌شود تا کارهای خوب را بخشی از فرایند بی‌گناه به حساب آمدن در نزد خدا معرفی کند.

نظریه یعقوب

یعقوب می‌گوید: «همانطور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است.» (یعقوب ۲: ۲۶). ایمان بدون انجام کارهای خوب یک ایمان مرده به حساب می‌آید، برای این‌که از نظر روحانی دوری از انجام کارهای خوب نشان‌دهنده یک زندگی تغییر نکرده و قلب مرده است. آیه‌های زیادی وجود دارد که می‌گویند نتیجه ایمان نجات دهنده واقعی یک زندگی جدید و تغییر کرده است، این ایمان با انجام کارهای خوب نشان داده می‌شود. (یعقوب ۲: ۱۴-۲۶) گاهی کاملاً اشتباه تفسیر می‌شود، به این صورت که دریافت نجات را با استفاده از این آیه به کارهای خوب انسان ربط می‌دهد، اما این نظر کاملاً غیر کتاب مقدسی است. یعقوب نمی‌گوید که کارهای خوب ما را نجات خواهند داد بلکه می‌گوید انجام کارهای خوب نشانه ایمان واقعی است. ایمان به عیسی مسیح همیشه خودش را با انجام کارهای خوب نشان می‌دهد. اعمال خوب دلیل نجات نیستند بلکه نشانه و ثمره نجات هستند.

نظریه پولس

پولس، یعنی به اصطلاح قهرمان پارسا شمرده‌گی به واسطه ایمان، در افسسیان می‌گوید: «زیرا ساخته دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم». بنابراین ما به واسطه کارهای نیک نیست که نجات پیدا می‌کنیم، بلکه نجات می‌یابیم تا کارهای نیک انجام دهیم و بر اساس کارهای نیکمان است که مورد داوری قرار خواهیم گرفت.^۱

مقایسه نظریه پولس و یعقوب

ایمانداری که ادعا می‌کند مسیحی است اما به روش خودش زندگی می‌کند و از عیسی مسیح نافرمانی می‌کند، ایمان دروغین یا مرده‌ای دارد که او را نجات نداده است. یعقوب ایمان را به دو گونه تقسیم می‌کند: ایمان واقعی که نجات

^۱ دیوید پائوسن، رمزگشایی کتاب مقدس جلد دوم عهد جدید، ص ۳۹۴

دهنده است و ایمان دروغین که مرده است. خیلی‌ها ادعای مسیحیت می‌کنند اما روش زندگی و اولویت‌هایشان برعکس این ادعا را ثابت می‌کند. عیسی مسیح این موضوع را در (متی 7: 16-23) به روشنی بیان می‌کند. پیام عیسی شبیه پیام یعقوب است. اطاعت از خدا نشانه ایمان نجات دهنده واقعیت است. فقط اینکه بگویید به عیسی مسیح ایمان دارید و یا مراسم مذهبی را انجام دهید نجات‌دهنده نخواهد بود. بلکه آنچه که نجات می‌دهد کار احیا کننده روح القدس درون قلبه‌است، و این زندگی جدید با اطاعت مستمر از خداوند ادامه پیدا می‌کند.

ترکیبی از کارهای خوب و ایمان برای رستگاری کاملاً متضاد با گفته کتاب مقدس است. «عیسی مسیح به خاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و دوباره زنده شد تا ما در پیشگاه خدا «بی‌گناه» به حساب آییم» (رومان 4: 5). «ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است» (یعقوب 2: 26). تضادی بین این دو متن وجود ندارد. ما با لطف خداوند و توسط ایمان بی‌گناه به حساب آمده‌ایم، نتیجه طبیعی نجات واقعی انجام کارهای خوب است. کارهای خوب از قلب جدید جریان پیدا می‌کند مانند آبی که از چشمه بیرون می‌آید.

پولس و یعقوب یک موضوع را به دو روش بیان می‌کنند

نجات کار خداوند است که «ما را از گناهانمان شست و طاهر ساخت و بوسیله روح القدس، به ما تولدی تازه و حیاتی نو بخشید» (تیتوس 3: 5). و به انسان گناهکار یک زندگی جدید می‌دهد (یوحنا 3: 3). وقتی انسان نجات را دریافت می‌کند به او قلبی تازه داده می‌شود و روحی نو درون او قرار می‌گیرد (حزقیال 36: 26). خداوند قلب سخت شده او توسط گناه را تغییر می‌دهد و آن را از روح القدس پر می‌کند. سپس روح القدس باعث می‌شود تا آن شخص زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشد (حزقیال 36: 26-27).

ایمان بدون انجام کارهای خوب از این جهت مرده است که نشان می‌دهد قلب آن شخص توسط خداوند تغییر نکرده است. اعتراف خشک و خالی به ایمان، زندگی هیچ کسی را تغییر نمی‌دهد. عیسی مسیح به کسانی که ادعای مسیحیت می‌کنند اما روح القدس را درون قلب خود ندارند، می‌گوید: «من اصلاً شما را نمی‌شناسم، از من دور شوید ای بدکاران» (متی 7: 23). انسان وقتی توسط روح القدس تولد تازه‌ای پیدا می‌کند، ثمره این حیات نو را در زندگی نشان خواهد داد. و کارهایش پس از نجات، خداپسندانه خواهند بود. ایمان نادیده توسط کارهای خوب، که میوه روح القدس است دیده می‌شود (غلاطیان فصل 5: 22). مسیحیان به شبان خود یعنی عیسی مسیح تعلق دارند، صدای او را می‌شنوند و به دنبال او می‌روند (یوحنا 10: 26-30).

پولس نیز در نوشته‌های خود همین مورد را خاطر نشان می‌سازد. ایمانداران باید در زندگی خود میوه‌های نیکویی را داشته باشند که در (غلاطیان 5: 22-23) ذکر شده‌اند. درست بعد از اینکه پولس در (افسیسیان 2: 9-8) اعلام می‌دارد که ما محض فیض نجات یافته‌ایم و نه از اعمال، در (افسیسیان 2: 10) مدعی می‌شود که آفریده شده‌ایم برای کارهای نیکویی که خدا از قبل مهیا نمود. پولس نیز از یک زندگی تغییر یافته همان انتظارات یعقوب را دارد. «پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است، چیزهای کهنه در گذشت اینک همه چیز تازه شده است». (دوم قرنتیان 5: 17). تعلیم پولس و یعقوب در مورد نجات هیچ تضادی با یکدیگر ندارد. بلکه آنها یک منظور را با نگرش‌های مختلف بیان می‌کنند. پولس خیلی ساده، بر عادل شمرده‌شدگی فقط با ایمان تأکید می‌کند در حالی که یعقوب بر این حقیقت تأکید دارد که ایمان در مسیح باید به اعمال نیکو منتهی شود.

برای نجات یک شخص، ایمان واقعی و قلبی ضروری است. وقتی کلام خدا از ایمان سخن می‌گوید، چنین ایمانی را مدنظر دارد. ایمانی که فقط زبانی باشد و جایی در قلب نداشته باشد، ایمان واقعی نیست. همان طور که خداوند گفت: «ای افعی‌زادگان، شما که بدسیرت هستید، چگونه می‌توانید سخن نیکو بگویید؟ زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید». اقرار ایمان یعنی ایمانی که از قلب سرچشمه گرفته باشد و شخص به آن معتقد باشد. در غیر این صورت چنین اقراری، تظاهر به حساب می‌آید.

ما از طریق ایمان به مسیح، در حضور خدا پارسا می‌شویم، و این ایمان با اطاعت کامل ابراز می‌شود. بعد از این که خدا در (پیدایش 15: 6) به خاطر ایمان ابراهیم از او خوشنود شد و او را پارسا شمرد، او ختنه شد؛ به خاطر ایمانش، اطاعت کرد. بله! او با ایمان پارسا شمرده شد، اما به واسطه ایمان، در اطاعت زندگی کرد. خدا به واسطه فیض، این وعده را به ابراهیم داد و ابراهیم به واسطه ایمان به این وعده اعتماد کرد، و این ایمان او را به سوی اطاعت کامل

هدایت کرد. وقتی به خدا اعتماد می‌کنید، کارهایی را انجام می‌دهید که از نظر دنیا مردود است، ولی نه برای به دست آوردن نجات، بلکه به خاطر ایمان به خدا.²

پولس از اعمال شریعت سخن می‌راند، در حالیکه یعقوب درباره اعمال ایمان یعنی اقدامات می‌نویسد معنای حرف یعقوب این است: ایمان بدون اقدام کردن، مرده است. او اصلاً سر آن ندارد که اعمال شریعت را تفسیر و تشریح نماید وی برای نشان دادن بی‌فایده بودن محبت بدون اقدام مثالی می‌زند. کسی را در نظر بگیرید که به برادری می‌گوید: آه خدای من تو نه چیزی برای خوردن داری و نه چیزی برای پوشیدن. بسیار خوب برادر خدا برکتت بدهد! یعقوب می‌پرسد: این کار چه فایده‌ای دارد؟ این محبت بدون انجام دادن هر اقدامی است، محبت که در آن کاری از سر محبت انجام نمی‌شود.

نتیجه

نتیجه این‌که خدا با وجود پولس و یعقوب دو زاویه دید متفاوت از یک موضوع حساس را ارائه می‌نماید تا در مورد کل حقیقت به برداشتی متعادل برسیم. شریعت‌گرایی به ما می‌گوید که به واسطه اعمال است که نجات را داریم اما در واقع نجات می‌یابیم تا دست به کاری بزنیم، اما این کارها اعمال نیک، یعنی اعمال برخاسته از محبت هستند.

² دیوید پلات، تونی مریدا، تفسیر مسیح محور تجلی عیسی در کتاب غلاطیان، سازمان خدمات مسیحی مزده، 2014، ص 88

منابع

- پاوسن، دیوید. رامین بسطامی. رمزگشایی کتاب مقدس جلد دوم عهد جدید.
- پلات، دیوید. مریدا، تونی. تفسیر مسیح محور تجلی عیسی در کتاب غلاطیان. سازمان خدمات مسیحی مزده 2014.
- تعالیم اساسی کتاب مقدس. خدمات جهانی فارسی زبانان 2009.
- کتاب مقدس از ترجمه هزاره نو. انتشارات ایلام 2014.